



۲۰۱۸/۱۱/۱۲



میر عبدالرحیم عزیز

بیهودگی دولت مستعمراتی کابل



دو اعجوبه تاریخ

نظام مستعمراتی کابل یکی از بی حیثیت ترین نظام های سیاسی جهان در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی است. به ندرت سراغ شده می تواند که دولتی در جهان وجود داشته باشد که تا این اندازه بی صلاحیت و بی اعتبار جلوه نماید. در داخل کشور، نظام مستعمراتی کابل هنوز هم در جنگ و جدال ذات الیبنی خود آغشته است. امنیت روز تا روز وخیم تر شده و مخالفان قوی تر میشوند. دولت مستعمراتی کابل تا گلو در فساد و فساد پیشگی غرق است. در سطح جهانی، برای دولت مستعمراتی کابل آبرو و حیثیت باقی نمانده، زیرا جهان میدانده که حاکمان کابل کی ها اند و چطور به اریکه قدرت نصب شده اند. اشرف غنی زمانیکه فهمید ترمپ حاضر نبود که او را در جریان جلسات ملل متحد در ماه سپتمبر سال جاری ببیند، ماهرانه عبدالله رئیس اجرائی خود را فرستاد و عبدالله و حامیان احمقش به این دل خوش کردند که امریکا او را خواسته نه غنی را. در حین اقامت چند روزه در امریکا، هیچ یک از افراد عالیرتبه اداره ترمپ با عبدالله دیدار نداشتند. سرانجام با سرافکندگی (اگر به خود بگیرد)، امریکا را ترک گفت و احوال پذیرائی بی مزه خود را به اطلاع غنی رساند. در سطح منطقه، دو دشمن همیشگی ما، نظام فاشیستی آخندی ایران و پاکستان و کشور های هنوز مستعمره روس یعنی تاجیکستان و ازبکستان، به نظام مستعمراتی کابل ارج نمی گذارند. تصامیم مربوط به افغانستان، توسط کشور های متخاصم همسایه بدون اطلاع کابل اتخاذ میشود. دلچسپ

اینکه امریکا، خالق این نظام، هم احترامی به دست نشاندهانش ندارد. دولت دست نشانده کابل فقط ناظر فروپاشیدگی خود از درون است که چه روزی مانند نظام دست نشانده روس از هم بپاشد.

در روز هائی که زلمی خلیل زاد مشاور وزارت خارجه امریکا در امور افغانستان به قطر رفت تا نمایندگان تحریک طالبان را ملاقات نماید و با آنها جریان صلح را مورد بحث قرار دهد، دولت مستعمراتی کابل صلاحیت ابراز نظر را درین خصوص نداشت. با وجودیکه هدف امریکا از صحبت با طالبان تقاضای همکاری از آنها به ارتباط انتخابات تقبلی شورا بود تا آرامش نسبی تأمین گردد و امریکا آن را منحصیث دست آورد خود به جهان عرضه نماید، اما کنار زدن کابل از جریان مذاکرات، خود نمونه ئی از بی ارزش بودن نظام فاسد کابل بود. خلیل زاد اصلاً جرأت نکرد که از طالبان خواستار مذاکره مستقیم با دولت کابل شود، زیرا تحریک طالبان بارها مذاکره با دولت کابل را رد کرده اند. به عقیده تحریک طالبان، طرف دعوی آنها امریکای اشغالگر است نه دولت دست نشانده اش در کابل.

در جریان معامله گری، چند تن از طالبان از زندان گوانتاناما رها شدند تا در مذاکرات صلح شرکت نمایند. همچنان طالب دیگری به اسم ملا "عبدالغنی برادر" یکی از بنیان گذاران تحریک طالبان که نسبت سرپیچی از اوامر اسلام آباد در پاکستان زندانی شده بود، بدون کمترین مشوره با کابل از زندان رها گردید. این جریانات چیغ زعامت فاسد و بی هویت کابل را کشید که چرا پاکستان در مورد رهائی ملا برادر با افغانستان مشوره نه نموده و یا حد اقل این کشور را در جریان نگذاشته است. دفتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائی دولت مستعمراتی کابل اعلام کرد که "ملا برادر به دلیل سرپیچی از دستورات پاکستان دستگیر شد و در پاکستان هم زندانی گردید و حالا هم یک جانبه از سوی پاکستان و بدون در نظر داشت افغانستان آزاد شده است".

هنوز هم دولت مستعمراتی کابل در خواب گران است و موقف مستعمراتی خود را خوب نمی فهمد. پاکستان ضرورتی ندارد که در خصوص طالبان با کابل مشوره نماید. خود تصمیم می گیرد و آن را عملی می نماید. اگر افغانستان آزاد می بود و افراد با هویت و صادق در رأس دولت قرار میداشتند، آنگاه اسلام آباد شاید احترامی به افغانستان قائل می شد و وزن سیاسی کشور ما نیز در سطح منطقه بالا میرفت. جالب اینکه سفارت پاکستان در کابل اعلام نمود که "ملا عبدالغنی برادر به هدف تسهیل روند مذاکرات صلح میان طالبان و حکومت افغانستان آزاد شده است". همچنان دو مقام استخباراتی دولت پاکستان به خبرگزاری اسوشیت پرس اظهار داشتند که "ملا برادر پس از مذاکرات به سطح عالی، رها شده است". این خود یک تحقیر دیگری بود که اسلام آباد به کابل تقدیم نمود، بدین معنی که موجودیت دولت مستعمراتی کابل برای اسلام آباد اصلاً مطرح نیست. در حین وقت نطق طالبان به نام ذبیح الله مجاهد تائید کرد که "ملا برادر در نتیجه تفاهم سیاسی میان نمایندگان دولت امریکا و گروه طالبان آزاد شده است". پس به دولت مستعمراتی کابل چه آبروئی باقی مانده است که ادعای مشروعیت و برانزنگی نماید.

چند روز قبل، روسیه ابتکار به راه انداختن جریان صلح در افغانستان را به دوش گرفت و نشست را در مسکو دایر نمود که عده ای از نمایندگان پائین رتبه کشور های منطقه شرکت نموده بودند. پنج تن از طالبان درین نشست حضور داشتند. طالبان بارها گفته است که "ما هرگز با دولت کابل داخل مذاکره نخواهیم شد. طرف دعوی ما امریکاست که کشور ما را اشغال کرده است". درین نشست یک هیأت از "شورای صلح" مربوط به دولت مستعمراتی کابل به مسکو آمد که یک خانم هم شامل بود. قیوم کوچی کاکای اشرف غنی و سفیر اسبق افغانستان اشغال شده در روسیه که فعلاً کدام وظیفه ندارد، هم درین کنفرانس سهیم گردید. لاکن معلوم نیست که کوچی برای چه منظور و به نمایندگی کدام جناح به مسکو آمده بود. اما اینقدر میدانم که کوچی در گذشته گاه گاهی با طالبان تماس حاصل نموده و شاید روی همین دلیل به روسیه اعزام شد تا جریان اجلاس مسکو را به اطلاع برادر زاده اش، اشرف غنی، برساند.

به عکس پایان نظر افکنید و مشاهده خواهید کرد که طالبان در دست چپ لاوروف وزیر خارجه روسیه جا گرفته اند که نشاندنده اهمیت بیشتر تحریک طالبان نسبت به دولت کابل است. اعضای شورای صلح بعد از فرد نشسته در سمت راست لاوروف جا به جا شده و قیوم کوچی هم در پهلوئی خانم سرابی نشسته است.



**برداشت یک عده از اهل خیره به شمول تحلیلگران داخلی اینست
که نمایش مسکو کلاً به نفع طالبان تمام شده است.**

به عکس دیگری در پایان نگاه کنید که چگونه محمد عباس استانکزی یکی از اعضای هیأت طالبان که در سمت چپ لاوروف استاده، شف لنگی خود به شکل پیروزمندانه آویخته است. نمایندگان سایر کشور ها که در دو جناح راست و چپ لاوروف استاده، به نشست مسکو وجه موفقانه بخشیده اند. بایست یاد آور شد که یورش دیپلماتیک روسیه از ناکامی های پی در پی امریکا در افغانستان سرچشمه می گیرد. عجباً! کشوری که افغانستان را به تباهی کشاند و مزدوران خود را برای ده سال بر مردم ما تحمیل کرد که در نتیجه آن افغانستان عزیز تا امروز در خون و آتش می تپد، اکنون طبل صلح را برای مردم بدبخت و کشور اشغال شده ما می نوازد. این خود می تواند بزرگترین سرشکستگی سیاسی و دیپلماتیک برای امریکای اشغالگر باشد.



علی رغم اشتراک چند تن از اعضای شورای صلح و قیوم کوچی کاکای اشرف غنی، عدم حضور نماینده رسمی دولت مستعمراتی کابل نماینگر ذلت و بی اعتباری این نظام در سطح جهانی است که هر روز هم وجه و هویت آن متزلزل تر میشود. در چنین فضای نارام و در اوج شکست و ناکامی، اشرف غنی رئیس جمهور دولت مستعمراتی کابل اعلام نمود که "به خارجی ها اجازه تصمیم گیری درباره صلح افغانستان را نمی دهیم...طالبان برای مذاکرات بین الافغانی آماده شوند زیرا ما اختیار صلح را به دست بیگانگان نمی دهیم".

سوال درین جاست که اگر آقای غنی اینقدر هشیاری و غرور نسبی میداشت و به عقیده اش پابند میبود، چرا کاکای خود را عرض اشتراک در نشست مسکو به روسیه فرستاد و روی چه دلیل و یا دلایلی اعضای شورای صلح را به روسیه اعزام نمود؟ بار دیگر آشکار می گردد که تصمیم گیرنده دولت مستعمراتی کابل نیست. هیچ دولت مستعمراتی صلاحیت ابتکار عمل را در سطح جهانی ندارد. بار ها گفته ام و بار دیگر اینجا تأکید می نمایم: تا زمانیکه افغانستان آزادی و استقلال خود را بدست نیاورد، حاکمیت سیاسی و ساحوی اش تثبیت نگردد و یک نظام متکی به اراده آزاد مردم روی صحنه نه آید، عزت و آبروی افغانستان در سطوح ملی و جهانی اعاده نخواهد شد.

